

اندیشه‌های سیاسی پیامبر ﷺ با تکیه بر نامه‌های پیامبر ﷺ به سران کشورها

طاهره روحانی^۱

چکیده

هنگامی که پیامبر اکرم ﷺ به پیامبری مبعوث شد بر اساس آیات الهی و برای اجرا کردن قوانین وضع شده از سوی پروردگار درصدد تشکیل حکومت برآمد و در راستای ادامه و تحقق آرمان‌های اصیل حکومت اسلامی از تمامی امکانات و فرصت‌ها استفاده کرد و شیوه‌ای متفاوت از حکمرانان جوامع بشری آن دوره برگزید؛ این حکومت و کارویژه آن همواره برای مسلمانان الگو بوده است. بنابراین، سیره پیامبر گرامی اسلام ﷺ نه فقط نسخه تربیت و آیین پرورش انسان، بلکه منشور حکومت و قانون مداری و مردم‌داری است. برای دستیابی به شناخت این الگو علاوه بر اینکه می‌توان با مطالعه سیره حکومت ایشان در مدینه به مؤلفه‌های مهمی دست یافت، همچنین می‌توان با مراجعه به مکاتبات و نامه‌های ایشان مؤلفه‌ها و شاخصه‌های سیاستی مانند روش دیپلماسی، استفاده از استراتژی دعوت، دعوت توأم با انعطاف و ملایمت، محوریت توحید و تقریب به ذات اقدس الهی در اخلاق سیاسی، اقدامات فرمانطقه‌ای به منظور ثبات سیاسی داخلی، بایستگی نظارت بر عملکرد کارگزاران، رعایت ادب سیاسی و غیره را نیز استخراج کرد.

واژگان کلیدی: مکاتیب، پیامبر ﷺ، مؤلفه‌های سیاسی، حکومت، اندیشه سیاسی.

۱. مقدمه

در نگاه اسلام هدف سیاست رهنمون شدن انسان به سوی هدایت و کمال است. الگوی سیاست و حکومت برای تکامل انسانی حکومت حضرت ختمی مرتبت پیامبر گرامی اسلام ﷺ است؛ چراکه تشکیل حکومت و به عهده گرفتن زمام اداره امور جامعه از مواردی است که علاوه بر هدایت و نجات انسان‌ها نقش قابل تأملی را در جهت حفظ آیات الهی و آرمان‌های جامعه مسلمین ایفا می‌کند. از این رو، پیامبر گرامی اسلام ﷺ بلافاصله پس از هجرت برای تشکیل حکومت و دولت اسلامی اقدام کرد. این حکومت و کار ویژه آن همواره برای مسلمانان الگو بوده است. بنابراین،

۱. دانش‌پژوه دکتری تاریخ اهل بیت (ع)، مجتمع آموزش عالی بنت الهدی، جامعه المصطفیٰ العالمیه، افغانستان.

سیره پیامبر گرامی اسلام ﷺ نه تنها نسخه تربیت و آیین پرورش انسان، بلکه منشور حکومت و قانون مداری و مردم داری نیز است.

بازشناسی هویت دینی با شناخت دقیق از سیره سیاسی و حکومت پیامبر ﷺ مرتبط است و برای دستیابی به این شناخت علاوه بر مطالعه سیره حکومتی وی در دوران حکومت ایشان در مدینه می توان این مؤلفه ها و شاخصه های سیاست را از مکاتبات و نامه های ایشان نیز استخراج کرد.

۲. اندیشه سیاسی پیامبر ﷺ با تکیه بر نامه های پیامبر ﷺ

در این پژوهش سیره سیاسی و حکومتی پیامبر ﷺ با تکیه بر نامه های پیامبر ﷺ با توجه به ۲۴ نامه از فصل دهم از مجموعه مکاتیب الرسول ﷺ بررسی شده و مواردی از اندیشه های سیاسی پیامبر ﷺ را می توان از آنها استخراج کرد. لازم به ذکر است که نامه های مورد بررسی آن دسته از نامه های ایشان است که خطاب به سران کشورها و برای دعوت به اسلام است. در بررسی های انجام شده مؤلفه های سیاسی و حکومتی هم شامل مؤلفه هایی است که به صورت کلی از نامه نوشتن پیامبر ﷺ به سران کشورها استخراج شده و هم شامل نکات به دست آمده از مضامین نامه ها است.

۲-۱. روش دیپلماسی

یکی از رایج ترین اصطلاحات سیاسی روش دیپلماسی است. دیپلماسی را می توان روشی مسالمت آمیز دانست که از طریق گفت و گو و مذاکره برای حل و فصل و پیشبرد اهداف در حوزه خارجی انجام می شود. مذاکره در روابط خارجی پیامبر گرامی و سیره سیاسی آن حضرت از اهمیت قابل توجهی برخوردار بوده است. در اهمیت مذاکره در سیره رسول خدا ﷺ همین بس که ایشان سفیرانی را به ممالک غیر اسلامی گسیل می داشت و آنان را موظف می نمود تا مذاکره را مقدم بر شیوه های خشونت آمیز بدانند. (سجادی، ۱۳۷۹، ص ۹۹) به عبارت دیگر می توان گفت که دیپلماسی تکنیک ها و تدابیر عملی و اجرایی است که یک دولت با توسل به آن منافع خود را در خارج از قلمرو خود دنبال می کند. بنابراین، این مفهوم کلی از مضمون نامه های پیامبر ﷺ به طور کامل مشهود است (ر.ک.، احمدی میانجی، ۱۴۱۹).

۲-۲. استراتژی دعوت

یک مورد از موارد استراتژی پیامبر ﷺ در روابط دیپلماتیک استراتژی دعوت است. در روابط خارجی اسلام اصل دعوت یکی از اصول اساسی مورد توجه و تأکید است. خداوند در قرآن کریم

فرموده است: «با حکمت و اندرز نیکو به سوی پروردگارت دعوت نما و با آنها به طریقی که نیکوتر است استدلال و مناظره کن» (نحل: ۱۲۵) بنابراین حکمت و بیان نیکو و مجادله و مناظره از عوامل تعیین کننده دعوت است.

دعوت همواره استراتژی اول پیامبر ﷺ در دیپلماسی بود و متناسب با شرایط زمانی و مکانی صورت می گرفت که استفاده از نقاط مشترک و اصل انعطاف پذیری برای به نتیجه رساندن مذاکرات و انجام توافقات از ویژگی های بارز آن بود. برای مثال در نامه پیامبر ﷺ به نجاشی (احمدی میانجی، ۱۴۱۹، ۲/۴۳۰) به پاکی حضرت مریم و القای حضرت عیسی ﷺ اشاره شده و بررسالت ایشان و پیامبران پیش از وی گواهی فرمودند و نامه ایشان به اسقف ضغاطر (احمدی میانجی، ۱۴۱۹، ۲/۴۰۶) از این نمونه است.

سلام علی من آمن، أما علی أئذذلك فإن عیسی بن مریم روح الله ألقاها إلى مریم الزکیة، و
إنی أومن بالله، و ما أنزل إلینا، و ما أنزل إلى إبراهیم و إسماعیل و إسحاق و یعقوب و الأنساب، و
ما اوتی موسی و عیسی و ما اوتی النبیون من ربهم لا نفرق بین أحد منهم و نحن له مسلمون،
و السلام علی من اتبع الهدی.

۲-۳. دعوت با انعطاف

یکی دیگر از روش های پیامبر اکرم ﷺ به ویژه در استراتژی دعوت، دعوت توأم با انعطاف و ملایمت بود و یکی از دلایل گسترش اسلام و نفوذ عمیق و وسیع پیامبر اکرم ﷺ در قلوب دیگران رفتار سیاسی منعطفانه آن حضرت بود. این برخورد را خداوند برای پیامبر ﷺ یک رحمت الهی می داند؛ چنانکه می فرماید:

فما رحمه من الله لنت لهم و لو كنت فظاً غلیظ القلب لانفضوا من حولک فاعف عنهم و
استغفر لهم و شاورهم فی الامر فاذا عزمت فتوکل علی الله ان الله یحب المتوکلین.

از پرتو رحمت الهی است که تو با آنان نرمش نمودی و اگر درشتخوی و سنگدل بودی
از پیرامون تو پراکنده می شدند، پس از آنان درگذر و برایشان طلب آمرزش کن و در کارها با
آنان مشورت و رایزنی کن و هنگامی که تصمیم به انجام کاری گرفتی بر خدا توکل کن؛ چرا
که خدا توکل کنندگان را دوست می دارد. (آل عمران: ۱۵۹)

۲-۴. محوریت توحید

یکی از ارزشمندترین اقدامات انتخابی پیامبر ﷺ در مسیر تحقق حکومت دینی و ترسیم دورنمای امت اسلامی تلاش برای ایجاد هویت واحد فرهنگی با مرزبندی اعتقادی است. این اقدام پیامبر ﷺ که یکی از شاخصه ها و اصول بنیادین اخلاق سیاسی با شیوه های رفتاری آن حضرت

است، محوریت توحید و تقرب به ذات اقدس الهی است و اساس کار آن حضرت ﷺ نیز فراخوانی مردم به شناخت و عبادت خلق خویش بوده است. مبارزه فکری با شرک و بت پرستی و تکیه بر توحید و وحدانیت باید با یک حرکت کارآمد به مرحله فراهم آوری یک اجتماع فرهنگی-دینی برسد که نقطه آغازین آن پیدایش هویت واحد فکری و اعتقادی است؛ آن طور که افراد را در یک نظام فکری به یکدیگر پیوند زند. این امر با دعوت جهانی پیامبر ﷺ نمود بیشتری پیدا می کند. از این رو، نامه‌هایی مانند نامه پیامبر ﷺ به خسرو پرویز (احمدی میانجی، ۱۴۱۹، ۲/۳۱۵) در ابتدای نامه با «بسم الله الرحمن الرحيم» آغاز شده و در یک فراز بعد از آن آورده است: «اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شریک له و ان محمد عبده و رسوله».

در نامه پیامبر ﷺ به باذان (احمدی میانجی، ۱۴۱۹، ۲/۳۳۳) نیز پیامبر ﷺ نامه‌اش را با «بسم الله الرحمن الرحيم» آغاز کرده و در نامه‌اش به هلال نیز آورده است: «فانی احمد الیک الله الذی لا اله الا هو لا شریک...». (احمدی میانجی، ۱۴۱۹، ۲/۳۳۴)

۲-۵. اقدامات فرامنطقه‌ای

یکی از مفاهیمی که به طور کلی می توان از ارسال نامه‌ها به سران کشورهای بیگانه استخراج کرد، اقدامات فرامنطقه‌ای به منظور ثبات سیاسی داخلی حکومت اسلامی است. مطالعه سیاست‌ها، برنامه‌ها و اقدامات رسول خدا ﷺ بیانگر آن است که پیامبر ﷺ با استفاده از فرصت‌ها تغییر اساسی را در محیط ذهنی، روانی و محیط عملیاتی ایجاد کرد و پس از رسیدن به دستاوردهای مهمی در محیط شبه جزیره و صلح حدیبیه دعوت اسلام را به محیط فرامنطقه‌ای گسترش داد.

۲-۶. برقراری روابط سیاسی

نامه پیامبر ﷺ به سلاطین و حکام کشور و دعوت آنها به اسلام در بردارنده یکی دیگر از مفاهیم کلی سیاسی است و آن برقراری روابط سیاسی در پرتو دعوت به دین اسلام است. با توجه به این مهم در نامه‌ای پیامبر به سران کشورها همواره در ابتدا به این امر اهتمام می ورزیدند. امام علی علیه السلام در روایتی می فرماید: «هنگامی که پیامبر مرا به یمن می فرستاد فرمود یا علی اگر خداوند یک نفر را به دست تو هدایت کند بهتر از تمام آن چیزی است که آفتاب بر آن می تابد» (ر.ک.، کلینی، ۱۳۶۷: ۵/۳۶).

پیامبرگرامی اسلام چنان به اصل دعوت اهمیت می داد که در جنگ‌ها نیز ابتدا به دعوت می پرداخت و حتی آنانی را که قبلاً دعوت کرده بود مجدداً به اسلام فرامی خواند (سجادی، ۱۳۷۹، س ۴، ش ۱۵، ص ۱۷۳) با وجود آن که دعوت پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله قبلاً به یهودیان خبیر رسیده بود

حضرتش سه روز سفیران و دعوت‌گران خویش را به نزد آنان فرستاد تا آنان را مجدداً به اسلام فراخوانند (ابن هشام، ۱۳۵۵ق، ص ۲۱۶).

از نامه‌های که به سران کشورهای جهان توسط رسول اعظم ﷺ فرستاده شده است نیز به خوبی اهمیت دعوت در روابط خارجی آن حضرت روشن می‌گردد که ما برای نمونه برخی از این نامه‌ها را نقل می‌کنیم؛

رسول خدا ﷺ در نامه به کسری پادشاه ایران زمین چنین می‌آورد:

به نام خداوند بخشنده و مهربان. از محمد ابن عبدالله رسول خدا به خسرو پرویز، بزرگ پارس: درود و ایمنی عذاب بر کسی که پیرو هدایت گردد، به خدا و فرستاده او، ایمان آور که آفریدگاری جز خدای یگانه بی‌همتا نیست و محمد بنده و فرستاده اوست. من تو را به سوی خدا دعوت می‌کنم؛ زیرا که من پیامبر خدا بر همه ی مردمان هستم تا زنده دلان را هشدار دهم و کلمه عذاب بر کافران مسلم گردد. از این رو اسلام آور تا ایمن مانی؛ چرا که اگر ایمان نیآوری بی‌گمان گناه همه مجوسیان برگردن تو خواهد بود. (احمدی میانجی، ۱۴۱۹، ۲/۳۱۶؛ ابن کثیر، ۱۴۰۸، ۴/۳۰۶)

۲-۷. به رسمیت شناساندن حکومت اسلامی

پیامبر ﷺ با نوشتن نامه‌هایی به سلاطین و حکام دیگری یکی دیگر از شاخصه‌های سیاسی حکومتی را به اثبات می‌رساند و آن به رسمیت شناساندن حکومت اسلامی است و این یکی از مفاهیم کلی سیاسی است که در اثر گفتمان دیپلماتی سیاسی به وجود می‌آید.

۲-۸. گفتمان سیاسی

روش پیامبر ﷺ به عنوان حاکم جامعه اسلامی بر مبنای گفتمان سیاسی و در قالب مکاتبه است.

۲-۹. صحبت صریح

در بحث گفتمان سیاسی برای پیشبرد اهداف سیاسی صحبت صریح و عاری از هر نوع اظهار حب و بغض بدون هیچ نوع تملق و اموری از این قبیل است. در نامه‌های بررسی شده پیامبر ﷺ صحبت صریح و بی‌پرده به طور کامل دیده می‌شود و خواسته او ایمان آوردن حکام آن در قالب گفتاری به دور از تملق و چاپلوسی و یا اظهار حب و بغض نسبت به حکام است.

۲-۱۰. استراتژی صلح

از دیگر موارد استراتژی پیامبر ﷺ در سیره سیاسی استراتژی صلح است. در اسلام و سیره نبوی اصل در روابط خارجی بر پایه صلح استوار است و استراتژی جنگ نیز حالت استثنایی دارد و بنا

به ضرورتی تجویز شده است. پیامبر ﷺ نیز از سال ششم هجری استراتژی صلح را جایگزین استراتژی جنگ کرد. بنای اولیه در اسلام بر اساس صلح و پرهیز از جنگ و پرهیز از تعصب جاهلی در برخورد با مخالفان است. این امر در آیه ۶۴ سوره آل عمران تأکید شده است:

قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَلَا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئًا وَلَا يَتَّخِذَ بَعْضُنَا بَعْضًا أَرْبَابًا مِنْ دُونِ اللَّهِ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقُولُوا اشْهَدُوا بِأَنَّا مُسْلِمُونَ.

بگوای اهل کتاب بیایید بر سرسخنی که میان ما و شما یکسان است (انبیاء و کتاب‌های آسمانی بر آن متفقند) گردآییم و آن اینکه جز خدا را نپرستیم و چیزی را شریک او نکنیم و برخی از ما برخی دیگر را خدایانی به جای خدا نگیرد؛ پس اگر (از این پیشنهاد) روی گردانند، بگوئید: گواه باشید که ما مسلمانیم.

بنابراین، این مفهوم کلی از مضمون نامه‌های پیامبر ﷺ دیده می‌شود؛ به ویژه در نامه‌ای که به اسقف ضغاطر (احمدی میانجی، ۱۴۱۹، ۲/۴۰۶) فرستاده است. با وجود اینکه مخاطب پیامبر ﷺ فردی خارج از دایره اسلام است از همان ابتدا و هنگام دعوت پیامبر ﷺ گفتمان پیامبر ﷺ مسالمت‌آمیز و به دور از هر نوع جنگ است.

۲-۱۱. ارسال سفرا و نمایندگان

پیامبر ﷺ برای پیشبرد سیاست نظام نوپای اسلامی مکانیزم‌هایی را برای بهتر و نتیجه بخش‌تر شدن دیپلماسی اسلامی تعریف و اجرا کردند که یکی از آنها ارسال سفرا و نمایندگان به کشورهای همسایه است. در روابط خارجی دولت اسلامی مذاکره از اهمیت زیادی دارد به طوری که در اسلام هیچ جنگی بدون طی کردن مرحله مذاکره پدید نیامده و از سوی حاکم اسلامی تجویز نشده است. مذاکره، بخشی از استراتژی دعوت و صلح است. ارسال سفیر به سوی ایران، روم، حبشه، بحرین و غیره نشان از توجه حضرت رسول ﷺ به این امر خطیر بوده است. (ابن هشام، ۱۳۵۵، ۴/۲۵۴-۲۵۵)

۲-۱۲. تهدید

یکی دیگر از مؤلفه‌های سیاسی پیامبر ﷺ تهدید سلاطین و حکام است. این تهدیدها در نامه پیامبر ﷺ به نجاشی (احمدی میانجی، ۱۴۱۹، ۲/۴۳۰) کسری، (احمدی میانجی، ۱۴۱۹، ۲/۳۱۵) مقوقس (احمدی میانجی، ۱۴۱۹، ۲/۴۱۷) نمود دارد و سلاطین بیشتر با این عبارت مورد خطاب واقع شدند: «اسلام بیاورتا در امان باشی».

۲-۱۳. حاکمیت جهانی اسلام

از نامه‌های پیامبر ﷺ می‌توان معرفی حاکمیتش برای حاکمیت جهانی اسلام را استخراج کرد.

اعلان الهی بودن رسالت خویش به نجاشی در راستای رسالت و حاکمیت جهانی اسلام است: «فإني رسول الله، و قد بعثت إليكم...». (احمدی میانجی، ۱۴۱۹، ۲/۴۳۰)

۲-۱۴. تکریم مقام رسالت و حاکمیت اسلام

تکریم مقام رسالت و حاکمیت اسلام برای حاکمیت جهانی از دیگر مؤلفه‌هایی است که در نامه‌های پیامبر ﷺ می‌توان استخراج کرد. در نامه‌های پیامبر ﷺ آن حضرت پس از نام خداوند بی‌درنگ نام و عنوان رسالت خود را بیان می‌کند. همان طور که می‌فرماید: «من محمد رسول الله» (احمدی میانجی، ۱۴۱۹، ج ۲/۳۱۵، ۳۳۴، ۳۳۹ و ۳۴۳) نشان‌گر شخصیت حقوقی اوست و آن مقام نبوت و رسالت است. از این رو، بر همگان لازم است از آن جایگاه به عظمت یاد کرده و آن را بزرگ بدانند و بر خود پیامبر ﷺ نیز لازم است که از آن مقام بلند تجلیل کرده و جایگاه آن را پاس بدارد.

۲-۱۵. احترام به سران کشورهای غیر اسلامی

در روابط سیاسی و دیپلماسی احترام به سران کشورهای غیر اسلامی لازمه اخلاق سیاسی در آغاز روابط سیاسی است. پیامبر ﷺ در نامه به نجاشی نام وی را با احترام نام می‌برد و با ذکر «عظیم حبشه» جایگاه سیاسی او را رعایت می‌کند: «بسم الله الرحمن الرحيم هذا كتاب من محمد رسول الله إلى النجاشي الأصحم عظيم الحبشة...». (احمدی میانجی، ۱۴۱۹، ۲/۴۳۰)

۲-۱۶. اطلاع‌رسانی

در یکی از نامه‌های پیامبر ﷺ خطاب به مقوقس (احمدی میانجی، ۱۴۱۹، ۲/۴۱۷) آمده است که اطلاع‌رسانی وظیفه حاکمان است. در نامه به مقوقس آن حضرت کلمه «عظیم» را به «قبط» اضافه می‌کند تا به او بفهماند که اگرچه مورد خطاب تو هستی، در واقع محتوای نامه متوجه تو و همه قبطیان است و تو در جایگاه حاکم و کسی که سرنوشت ملتی به دست اوست، ملزم هستی تا پیام نامه را به مردم خود برسانی و گرنه گناه گمراهی آنها به گردن تو خواهد بود و مسئولیت جهل و ناآگاهی آنان از هدایت و سعادت به عهده توست.

از این رو، پیامبر ﷺ در ادامه نامه می‌فرماید:

فإني أَدْعُوكَ بِدَعَايَةِ الْإِسْلَامِ، أَسْلَمْتُ تَسْلِمًا (وَأَسْلَمْتُ) يَوْمَ تَكُنُّ اللَّهُ أَجْرَكَ مَرَّتَيْنِ، فَإِنْ تَوَلَّيْتُ فَإِنَّمَا عَلَيْكَ إِثْمُ الْقَبْطِ.

من تو را به دین اسلام دعوت می‌کنم؛ مسلمان شو تا در امان باشی. اگر مسلمان شوی خداوند پاداشت را دو برابر می‌کند و اگر از اسلام روی برگردانی گناه قبطیان برگردن تو

خواهد بود. (احمدی میانجی، ۱۴۱۹، ۲/۴۱۷)

۲-۱۷. سهیم بودن حاکمان در جزای اعمال امت‌هایشان

نکته دیگری که در نامه پیامبر ﷺ جلب توجه می‌کند سهیم بودن حاکمان در جزای اعمال امت‌هایشان است؛ زیرا آنها بنیان‌گزاران سنت‌های خوب و بد هستند و کارهای خوب و بد را در قالب فرهنگ و شیوه زندگی در میان مردم نهادینه می‌کنند، پس همان‌طور که در برابر کارهای خوب خود پاداش می‌گیرند و به دلیل کارهای ناشایست مجازات می‌شوند، برای کارهای نیکوی ملتشان پاداش نیکو و در برابر کارهای ناشایست مردمشان کیفر خواهند شد.

آن حضرت با جمله «وَأَسْلَمَ يَوْمَئِذٍ اللَّهُ أَجْرَكَ مَرَّتَيْنِ» به نکته بالا اشاره می‌کند و می‌فرماید:

اگر اسلام بیاوری خداوند دو پاداش به تو می‌دهد. پاداش اول برای پذیرش اسلام از سوی آن حاکم و رهبر است و پاداش دوم برای ابلاغ و رساندن پیام فرستاده خداوند و ایجاد زمینه هدایت و رستگاری در بین مردم خود است. (احمدی میانجی، ۱۴۱۹، ۲/۴۱۷)

۲-۱۸. بقای حکومت حاکم به شرط پذیرش رسالت

از نامه‌های قابل توجه پیامبر ﷺ نامه ایشان به فرمانروای شام - حارث پسر ابوشمر غسانی - است: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ مِنْ مُحَمَّدٍ رَسُولِ اللَّهِ إِلَى الْحَارِثِ بْنِ أَبِي شَمْرَةَ سَلَامٌ عَلَى مَنْ اتَّبَعَ الْهَدْيَ وَالْأَمْنَ بِهِ وَصَدَقَ، وَإِنِّي أَدْعُوكَ أَنْ تَتَّوَمَّنَ بِاللَّهِ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ يَبْقَى مَلِكًا». (احمدی میانجی، ۱۴۱۹، ۲/۴۵۷)

نکته‌ای که از این نامه می‌توان استخراج کرد، این است که بقای حکومت حاکم به شرط پذیرش رسالت و حاکمیت جهانی اسلام است. میان پایداری حکومت و موحد بودن رابطه‌ای سببی و مسببی برقرار است. چه بسیار سلسله‌هایی مانند هخامنشی، ساسانی، قیصرها، فرعون‌ها و مانند آنها بوده‌اند که تا قرن‌ها بر مردم ایران، روم، یونان و مانند آن حکومت کردند و بی‌آنکه موحد باشند، حکومتشان برقرار بود.

آنچه سبب افول حاکمیت آنها شد، به نهایت رساندن ظلم و ستمی بود که بر خود و زیردستان خود روا داشتند و یا در برابر دعوت پیامبران ایستاده و مردم را به فساد کشاندند.

وَلَقَدْ أَهْلَكْنَا الْقُرُونََ مِنْ قَبْلِكُمْ لَمَّا ظَلَمُوا وَجَاءَهُمْ رَسُولُهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ وَمَا كَانُوا لِيُؤْمِنُوا
كَذَلِكَ نُجْزِي الْقَوْمَ الْمُجْرِمِينَ.

ما امت‌های پیش از شما را هنگامی که ظلم کردند، هلاک نمودیم درحالی که پیامبران‌شان دلایل روشن برای آنها آوردند، ولی آنها ایمان نیاوردند. این گروه مجرمان را

کیفر می‌دهیم. (یونس: ۱۳)

پیامبر ﷺ خطاب به حارث فرمودند: «وانی ادعوك الى ان تؤمن بالله وحده لا شريك له، يبقی لك ملكك؛ من تورا دعوت می‌کنم که به خدای یکتای بی شریک ایمان بیاوری تا حکومت پایدار بماند». (احمدی میانجی، ۱۴۱۹، ۲/۴۵۷)

لازم به ذکر است که عربستان پیش از ظهور اسلام به سه بخش عمده سیاسی تقسیم شده بود. بخش حیره در شرق عربستان که زیر حمایت امپراطوری ایران قرار داشت. بخش کنده در مرکز و جنوب عربستان که تحت حمایت کشور حبشه بود در شمال غربی عربستان (سرزمین شام یا سوریه و لبنان فعلی) حکومتی به نام غسان بود که به دلیل مجاورت با امپراطوری روم با آن امپراطوری متحد شده و نظام سیاسی خود را از آنجا الهام می‌گرفت.

پیامبر ﷺ علاوه بر نامه‌ای که به امپراطوری روم نوشت، نامه‌های جداگانه‌ای نیز به حاکم غسان نوشت؛ زیرا غسان از نظر سیاسی و دینی از امپراطوری روم پیروی می‌کرد و حاکمان غسان برای بقای خود به حمایت‌های نظامی و سیاسی رومیان نیازمند بودند، ولی در عین حال کشوری مستقل به شمار می‌رفت. از سویی دیگر این کشور دارای قلمرو و جمعیتی قابل اعتنا بود و اسلام آوردن مردم آن باعث جدایی آن دیار از قلمرو روم می‌شد و همین مسئله در گسترش اسلام به بلاد روم مؤثر بود و مهمتر اینکه، اسلام یک دین جهانی است و مختص یک دولت و قلمرو نبود. بر این اساس، پیامبر ﷺ با این روش حجت را بر همه تمام کرد.

۲-۱۹. خیرخواهی حاکمان

از دیگر مؤلفه‌های موجود در نامه پیامبر ﷺ که می‌توان به آن اشاره کرد، وظیفه خیرخواهی حاکمان و بازگشت آثار عمل به عامل آن است. پیامبر ﷺ در نامه‌ای که منذر بن ساوی نوشته‌اند به این نکته اشاره کرده است. پیامبر ﷺ در سال هشتم هجری پیش از فتح مکه نامه‌ای به حاکم داد تا به منذر بن ساوی حاکم بحرین برساند و او را به پذیرش اسلام فراخواند و به او وعده داد که اگر مسلمان شود، می‌تواند به حکمرانی خود در آن دیار ادامه دهد.

بسم الله الرحمن الرحيم من محمد رسول الله إلى المنذر بن ساوی: سلام عليك فإني أحمد إليك الله الذي لا إله إلا هو أشهد أن لا إله إلا هو أما بعد، فإني أدعوك إلى الإسلام فأسلمت سلم، وأسلم يجعل لك الله ما تحت يدك، واعلم أن ديني سيظهر إلى منتهى الخف والحفر. محمد رسول الله. (ابن سعد، ۱۴۱۸، ۱/۲۶۳)

منذر بن ساوی که پیرو مذهب مجوس بود با دیدن نامه پیامبر ﷺ و گفت وگو با علاء حضرمی، اسلام آورد و به اداره امور مردم بحرین که همراه او مسلمان شده بودند، پرداخت. پس از آن

نامه‌هایی میان پیامبر ﷺ و او ردوبدل شد. یکی از آنها پاسخ نامه‌ای است که پیامبر ﷺ به او و مردم بحرین نگاشته است:

بسم الله الرحمن الرحيم من محمد رسول الله الى المنذر بن ساوى، سلام عليك فيني احمد اليك الها الذي لا اله الا هو واشهد ان لا اله الا اله وان محمدا عبده ورسوله أما بعد فيني اذكرك الهه عز وجل فإنه من ينصح لنفسه وإنه من يطع رسلي ويتبع أمرهم فقد اطاعني و من نصح لهم فقد نصح لي وأن رسلي قد اتنو عليك خيرا وأنى قد شفعتك في قومك فاترك للمسلمين ما اسلمو عليه و عفوت عن اهل الذنوب فاقبل منهم وانك مهما تصلح فلن نغزلك عن عملك و من اقام عليهم يهوديه او مجوسيه فعليه الجزيه. (ابن سعد، ۱/۲۶۳)

ایشان در این نامه نوشته‌اند: «فأنه من ينصح فأنما ينصح لنفسه؛ هر کس خیرخواهی کند در واقع برای خود خیر خواسته است». آن حضرت با این جمله کوتاه به دو نکته مهم پرداخته است. نکته نخست را که امری حکومتی است با کنایه و نکته دوم را که مسئله‌ای اخلاقی است با تصریح بیان می‌کند.

نکته نخست ناظر به حق نصیحت است که بنا بر تصریح امیرمؤمنان، علی علیه السلام از حقوق مردم بر حاکم اسلامی است. همین طور که می‌فرماید: «فأما حقكم على فالنصيحة لكم؛ و اما حق شما بر من خیرخواهی من نسبت به شما است» (موسوی، ۲، ۱۳۷۶/۱۸۹). واژه نصح در مورد خدا و مردم، پیامبر ﷺ و مردم، قرآن و مردم، امام و امت به کار می‌رود و به مقتضا اشاره به مصداقی از آن مفهوم گسترده و جامع است و مراد از نصیحت و خیرخواهی امت که وظیفه حاکم اسلامی است، برنامه‌ریزی کامل و همه جانبه برای پیشرفت و تعالی مردم در همه جنبه‌های اقتصادی، دینی و مانند آن است؛ زیرا نخستین گام در راه خیرخواهی امت چیزی جز برنامه‌ریزی درست و کارآمد نیست و به این ترتیب حاکم و رهبر در درجه نخست باید برنامه‌ای درست و فراگیر که تأمین‌کننده منافع معنوی و مادی توده‌های مردم و سبب رسیدن به کمال مطلوب است با کمترین ضایعات تنظیم کرده و مقدمات اجرای آن را فراهم کند و در رفع موانع در سر راه آن بکوشد.

۲-۲۰. بایستگی نظارت بر عملکرد کارگزاران

از مؤلفه‌های اسخراج شده در نامه پیامبر ﷺ به منذر بن ساوی بایستگی نظارت بر عملکرد کارگزاران است. پیامبر ﷺ خطاب به منذر بن ساوی می‌فرماید: «وان رسلي قد اتنوا عليك خيرا؛ فرستادگان من از تو به نیکی یاد کرده‌اند». (موسوی، ۲، ۱۳۷۶/۱۸۹) این جمله نشان می‌دهد که آن حضرت کسانی را به بحرین فرستاده تا منذر بن ساوی را زیر نظر بگیرند و عملکرد او را به ایشان خبر دهند. بر این اساس می‌توان گفت که حاکم اسلامی زمانی می‌تواند از درستی

مدیرت کارگزاران خود در گوشه و کنار مملکت اسلامی اطمینان حاصل کند که همیشه کسانی را مانند ناظر در محدوده مدیریت آنها گماشته و از چگونگی کار آنان کسب آگاهی کند و در برابر عملکرد خوب و بد آنان تصمیم‌گیری کند و در صورت لزوم آنان را تشویق یا تنبیه کند؛ همانطور که پیامبر ﷺ به جمله «فرستادگان من از تو به نیکی یاد کرده‌اند» در واقع منذر را تشویق کرده‌اند.

۲-۲۱. صالح بودن

از مؤلفه‌های موجود در نامه پیامبر ﷺ و مهمترین شرط در رابطه با ویژگی مدیران در حکومت صالح بودن است. شایسته سالاری یکی از معیارهای گزینش مدیران سوی پیامبر ﷺ بود. از این رو، آن حضرت در نامه‌هایش تصریح می‌کند که مدیریت بخش‌هایی از جهان اسلام را به کسانی می‌سپرد که عادل، صالح و کارآمد باشند (ابن جوزی، ۱۴۱۲، ۳/۳۴۰) همانطور که در نامه مورد بحث به آن تصریح کرده و می‌فرماید: «انک مهما تصلح فلن نزلک عن عملک؛ و تو تا هر زمان که صالح باشی تو را از کارت برکنار نخواهم کرد». (صالحی شامی، ۱۴۱۴ق، ۱۱/۳۶۴)

بر اساس این نامه، مشروعیت تصدی امور مسلمانان فقط برای کسانی است که هم در آغاز و هم در ادامه مدیریت شرایط مورد نظر را داشته باشند و هرگاه آن شرایط را از دست بدهند از مدیریت خود عزل خواهند شد.

۲-۲۲. رعایت ادب سیاسی

از جمله مؤلفه‌های پیامبر ﷺ در نامه‌های رعایت ادب سیاسی است. در آغاز نامه پیامبر ﷺ به نجاشی، پس از «بسم الله الرحمن الرحيم» و ذکر نام خودشان آمده است: «سلام علی من اتبع الهدی». چگونگی سلام کردن پیامبر ﷺ به نجاشی علاوه بر اینکه نشانه شخصیت والای فرستنده است، بیانگر رعایت ادب اجتماعی و سیاسی در معاشرت با انسان‌ها نیز است.

۲-۲۳. استراتژی گفت‌وگو

یکی از نکته‌های مهمی که از نامه پیامبر ﷺ به هرقل به دست می‌آید استراتژی گفت‌وگو و تفاهم با دین‌هاست. مسئله گفت‌وگو با اهل کتاب برای رسیدن به تفاهم درباره دیدگاهی جامع در باورها و اعتقادات است. تکرار این محتوا در نامه‌ای دیگر به سران کشورهای که اهل کتاب در آنجا حکومت داشته‌اند، نشان از سیره و روش مستمر آن حضرت در سیاست خارجی است. سیره و روشی که دین‌های غیر از اسلام نه برای روشن شدن واقعیت‌ها و نه برای دستیابی به تفاهم، بلکه برای به اثبات رساندن باورهای خود و از میدان بیرون راندن رقیب از دیر زمان به آن چنگ می‌زدند. یهودیان خود را محق و مسیحیان را اهل باطل می‌شماردند و از آن سوی

مسیحیان باورهای اهل یهود را بی پایه و اساس و آیین آنها را مایه گمراهی می دانستند. این در حالی است که اسلام با احترام به باورهای توحیدی و عقاید خداوآورانانه همه دین ها به گفت وگو به مثابه ابزاری مناسب برای برقراری ارتباط و تفاهم میان دین ها توجه ویژه ای دارد. به گونه ای که می توان گفت اسلام آیین گفت و گو و قرآن، کتاب گفت وگو است. از این رو با ندای بلند می گوید:

قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَلَا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئًا
وَلَا يَتَّخِذَ بَعْضُنَا بَعْضًا أَرْبَابًا مِنْ دُونِ اللَّهِ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقُولُوا اشْهَدُوا بِأَنَّا مُسْلِمُونَ.

بگو: ای اهل کتاب بیایید بر سرسخنی که میان ما و شما یکسان است (انبیاء و کتابهای آسمانی بر آن متفقند) گرد آییم و آن اینکه جز خدا را نپرستیم و چیزی را شریک او نکنیم و برخی از ما برخی دیگر را خدایانی به جای خدا نگیرد، پس اگر (از این پیشنهاد) روی گردانند، بگوئید: گواه باشید که ما مسلمانیم. (آل عمران: ۶۴)

جمله «قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ» تصریح دارد به اینکه پیامبر ﷺ از سوی خداوند متعال مأمور شده تا باب گفت وگو را با دین ها باز کند. روشن است که شنیدن سخنان دیگران و گزینش بهترین آنها آنگاه امکان پذیر است که زمینه طرح دیدگاه ها و اندیشه های گوناگون وجود داشته باشد و این امر برقراری ارتباط و مفاهمه با دیگران را طلب می کند. افزون بر آن، اگر طرح اندیشه های گوناگون آزاد نباشد، امکان آن نیست که مردم سخنان آنان را بشنوند و آنها را با یکدیگر مقایسه کنند و بهترین گفتارها را برگزیده پیروی کنند.

۲-۲۴. التزام به اسلام

از مؤلفه هایی که در نامه پیامبر ﷺ به کسری شاه ایران می توان به آن دست یافت، این است که پیامبر ﷺ التزام به اسلام را مسئله ای راهبردی برای حفظ حکومت (احمدی میانجی، ۱۴۱۹، ۳۶/۲) معرفی می کند. شاهان ساسانی برای مردم ایران سرنوشتی رقم زده بودند که جز گمراهی سرانجام دیگری نداشتند و تنها راه برون رفت از این باتلاق دستیابی به ریسمان محکم دین اسلام بود که پیامبر ﷺ آن را برای همه مردم جهان به ارمغان آورده بود. از این رو، پیامبر ﷺ خطاب به کسری که مردمش را در گمراهی خود راه نموده بود، فرمود: «فاسلم تسلم فأن ابیت فإن اثم المجوس علیک؛ پس اسلام آور تا سالم بمانی و اگر سرباز زدی همانا گناه مجوس با توست». (احمدی میانجی، ۱۴۱۹، ۳۶/۲)

کلمه «اسلم» (اسلام بیاور) در بردارنده تشویق و ترغیب است به اینکه اگر اسلام بیاوری و در پی آن مردم ایران را نیز تسلیم در برابر خداوند راهنمایی کنی، هم در دنیا از کشته شدن و زوال حکومت در امان خواهی بود و هم در روز رستاخیز از عذاب خداوند خواهی رست و سرزنشی پیگیر تو نخواهد بود.

۲-۲۵. ایمان

از نامه‌هایی که پیامبر ﷺ به حاکمان نوشت، نامه ایشان به باذان حاکم یمن است: «بسم الله الرحمن الرحيم من محمد رسول الله إلى كافة الناس إلى ملك اليمن باذان الله كذا أعر الله».

(احمدی میانجی، ۱۴۱۹، ۳۳۲/۲)

وی پس از پی بردن به درستی ادعای پیامبر ﷺ ایمان آورد و اسلام را اختیار کرد. آنچه از این نامه می‌توان دریافت این است که پیامبر ﷺ ایمان را لازمه مشروعیت داشتن و عزت حاکمان می‌داند. از معدود نامه‌هایی که پیامبر ﷺ در آن از حاکمی با عنوان «ملک» مورد خطاب قرار می‌دهد، همین نامه است. «ملک» به معنای پادشاه و کسی است که مالک تدبیر امور اجتماعی مردم است که بنا بر آموزه‌های قرآن کریم ویژه خداوند است و او بنا بر اقتضای حکمت و مصلحتش به هر کسی بخواهد عطا می‌کند: «قل اللهم مالک الملك تؤتی الملك من تشاء؛ بگو: بار الها! تو مالک تدبیر هستی به هر کس بخواهی ملک و سلطنت می‌دهی» (آل عمران: ۲۶).

باذان، چون اسلام اختیار کرده بود و در راستای تحقق اهداف پیامبر ﷺ گام برمی‌داشت نه تنها صاحب و عظیم یمن، بلکه «مَلِک» آنان نیز بود؛ زیرا مشروعیت حکومت خود را از پیامبر ﷺ گرفته بود. به ویژه بنا بر آنکه جمله «اعزه الله» که در ادامه نامه آمده است معنای خبری (خداوند به تو عزت داده است) داشته باشد نه دعا؛ (احمدی میانجی، ۱۴۱۹، ۳۳۲/۲) بنابراین کسی جز خداوند دارای عزت نیست و اگر دیگری از عزت بهره‌ای دارد از او و به اذن او دارد.

در نتیجه یکی از عوامل هویت جامعه اسلامی از لوازم پایداری حکومت داری و از اسباب موفقیت در اداره امور مملکت است. از این رو هیچ کشور و یا سلسله‌ای هویت خود را از دست نداد و از میان نرفت، مگر آنکه پیشتر عزت خود را از دست داد.

۲-۲۶. زکات

پیامبر اکرم ﷺ در نامه‌ای ضمن تبریک و درود به فروه بن عمرو جذامی، فرماندار منصوب شده قیصر روم در شهر معان، به دلیل پذیرش اسلام برای وی شاخصه‌هایی را برای راه‌های استواری در دین بیان می‌کند. در این نامه آمده است:

من محمد رسول الله الی فروه بن عمرو، أما بعد فقد قدم علينا رسولک و بلغ ما به، خبر
عما قبلکم، و اتانا باسلامک و ان الله هداک بهدی ان اصلحت و اطعت الله و أقتت الصلاه
و آتیت الزکاه.

از محمد به فروه بن عمرو، فرستاده‌ات پیش ما آمد و پیام تو را و اخبار منطقه شام و اسلام تو را گزارش داد و مژده داد که خدای تو را به هدایت خویش رهنمایی فرموده است

و منوط به آن است که نیکوکار و فرمانبردار خدا و رسولش باشی و نماز را برپا داری و زکات را بپردازی. (ابن سعد، ۱۴۱۸، ۱/۲۱۵)

در این نامه فروه توصیه به پرداخت زکات می‌شود. جایگاه زکات در اسلام به گونه‌ای است که می‌توان گفت با توجه به اینکه اسلام به صورت یک آیین جامع همه نیازمندی‌های مادی و معنوی بشر در آن پیش‌بینی کرده و نیز با توجه به اینکه پیامبر ﷺ موفق به تأسیس حکومت شد و همچنین توجه اسلام به حمایت از محرومان، تأکید زیادی کرده است، زکات یکی از منابع مالی حکومت اسلامی معرفی شده است.

زکات به وسیله اشخاصی که بیش از اندازه احتیاجات عادی و اولیه خود مال دارند، طبق شرایطی پرداخت می‌شود. برخلاف مالیات‌های غیرمستقیم، بار زکات بر دوش همه افراد به خصوص طبقه پایین نیست. مصرف آن نیز در راه برطرف کردن اختلافات طبقاتی و ایجاد محبت عمومی و هدف اصلی آن رفع گرفتاری از بیچارگان آبرومند است.

زکات که یک نوع مالیات مستقیم است از نُه چیز گرفته می‌شود، سه نوع از حیوانات است که بیشتر مورد استفاده مردم است (گوسفند، گاو، و شتر) و چهار نوع از زراعت (گندم، جو، خرما، مویز (کشمش) که آنها را «غلات اربعه» می‌گویند و هشتم و نهم «نقدین» یعنی سکه‌های طلا و نقره با شرایطی که در کتب فقهی بیان شده است.

در اسلام مسئله زکات که در حقیقت یک نوع «مالیات بردرآمد و تولید» و «مالیات بر ثروت راكد» محسوب می‌شود اهمیت خاصی دارد؛ آنجا که در ردیف مهمترین عبادات قرار گرفته و در بسیاری از موارد همراه نماز ذکر شده و حتی شرط قبولی نماز شمرده شده است.

در حدیثی آمده است: «اگر همه مردم زکات اموال خود را بپردازند مسلمانان فقیر و نیازمند باقی نخواهد ماند و مردم فقیر و محتاج و گرسنه و برهنه نمی‌شوند، مگر به خاطر گناه ثروتمندان». (ابن بابویه، بی‌تا، ۷/۲)

در روایات آمده است که پرداخت زکات باعث حفظ اصل مالکیت و تحکیم پایه‌های آن است به گونه‌ای که اگر مردم این اصل مهم اسلامی را فراموش کنند شکاف و فاصله میان طبقات یک اجتماع بیشتر خواهد شد.

۲-۲۷. تهدید نظامی

نکته دیگری که از نامه پیامبر ﷺ به اهل عمان به دست می‌آید (احمدی میانجی، ۱۴۱۹، ۳۳۹/۲) و در شمار مفاهیم سیاسی در عرصه نظامی است، تهدید نظامی آنهاست. در این نامه

پیامبر ﷺ بعد از اینکه آنها را به پذیرفتن دین اسلام و پذیرفتن پیامبر ﷺ سفارش کرده، فرمان به زکات داده و بعد از آن نوشته است «... و لا غزوتکم؛ اگر نپذیرید با شما می‌جنگم».

۲۸-۲. حقوق اهل ذمه به اسلام

نامه پیامبر ﷺ به اهل عمان نیز بیانگر حقوق اهل ذمه نسبت به اسلام و حکومت اسلامی است و آن پرداختن جزیه است. در نامه اول پیامبر ﷺ از آنها خواسته که ایمان بیاورند و سپس تهدید نظامی کرده است. بعد از آن پیامبر ﷺ در نامه دومی که به اهل عمان ارسال می‌کند، آورده است: «أَنْ أَسْلَمُوا لِي لَمْ تَسْلَمُوا فَأَدُوا الْجِزْيَةَ» (احمدی میانجی، ۱۴۱۹، ۲/۳۴۲).

جزیه از ماده جزى است. علت این تسمیه به عقیده راغب آن است که آنچه از اهل ذمه گرفته می‌شود و وجه تسمیه آن به این دلیل است که به واسطه پرداخت آن در حفظ خون و احترام اهل کتاب به آن اکتفا می‌شود. (راغب اصفهانی، ۱۳۸۹ ش، ص ۱۴۹) در آیه ۲۹ سوره توبه آمده است:

قَاتِلُوا الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَلَا بِالْيَوْمِ الْآخِرِ... مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ حَتَّى يُعْطُوا الْجِزْيَةَ عَنْ يَدٍ وَهُمْ غَاوُونَ.

(ای اهل ایمان) با هر که از اهل کتاب (یهود و نصاری) که ایمان به خدا و روز قیامت نیاورده و آنچه را خدا و رسولش حرام کرده حرام نمی‌دانند و به دین حق (و آیین اسلام) نمی‌گروند قتال و کارزار کنید تا آن‌گاه که با دست خود با ذلت و تواضع جزیه دهند. (توبه: ۲۹)

بنابراین گرفتن جزیه - به تصریح قرآن و سنت - نه تنها مشروع، بلکه واجب است و در زمان پیامبر ﷺ و پس از آن حضرت از اهل کتاب دریافت می‌شد. آنان در قلمرو حکومت اسلامی بین سه امر؛ پذیرش اسلام، جنگ و التزام به شرایط ذمه، مخیر بودند. با پذیرش امر سوم (التزام به شرایط ذمه) موظف به پرداخت جزیه بودند. کسی نمی‌تواند بگوید گرفتن جزیه از اهل کتاب کاری ظالمانه است؛ زیرا هر دولت برای اداره مملکت از وصول مالیات ناگزیر است. در اسلام آنچه از اهل کتاب دریافت می‌شود به نام جزیه و آنچه از مسلمین دریافت می‌شود به نام زکات خوانده شده و جزیه مثل زکات و خراج و مالیات است که از مسلمانان گرفته می‌شود. علاوه بر این در گرفتن جزیه توان اقتصادی جزیه دهند در نظر گرفته می‌شود.

۲۹-۲. نقاط مشترک

پیامبر ﷺ برای ایجاد انگیزه در مخالفان برای مذاکره و توافقیهای اصولی و راضی کردن آنها برای مذاکرات صلح آمیز از نقاط مشترک استفاده می‌کرد. استفاده از نقاط مشترک در دیپلماسی

پیامبر ﷺ و نامه‌ها و پیام‌های آن حضرت به سران دولت‌ها به خوبی مشهود است که نامه پیامبر ﷺ به کسری و نجاشی از جمله آنهاست.

نامه به کسری:

«بسم الله الرحمن الرحيم. من محمد رسول الله، الی کسری، عظیم فارس. سلام علی من اتبع الهدی، و آمن بالله و رسله، و شهد ان لا اله الا الله وحده لا شریک له و ان محمد عبده و رسوله ادعوك بدعايه الله، فانی رسول الله الی الناس كافة؛ لانذر من كان حياً و يحق القول علی الکافرین؛ فاسلم تسلم؛ فان ابیت فإن اثم المجوس علیک.

به نام خداوند بخشنده مهربان. از محمد فرستاده خدا به کسری، بزرگ فارس. درود بر او باد که پیرو هدایت گردد و به «الله» و فرستاده او ایمان آورد و به آنکه معبود (راستینی) جز «الله» نیست، که یگانه و بی نیاز است و آنکه محمد بنده و فرستاده اوست، گواهی دهد. من تو را به دعوت الهی فرا می خوانم؛ چرا که من فرستاده خدا به سوی جمله مردمانم. تا آن را که زنده دلند، هشدار دهم و تا حجت بر کافران تمام شود؛ پس اسلام آرا تا در امان باشی و اگر سر برتابی، بی گمان گناه مجوسیان بر تو است. (احمدی میانجی، ۱۴۱۹، ۳۱۶/۲)

نامه به نجاشی:

بسم الله الرحمن الرحيم. من محمد، رسول الله، الی النجاشی الاصحم، ملک الحبشه، سلم انت، فانی احمد إلیک الله الذی لا اله الا هو، الملک القدوس، السلام، المؤمن، المہيمن، و اشهد ان عیسی بن مریم روح الله و کلمته القاها الی مریم البتول الطیبه الحصینه، فحملت بعیسی، فخلق الله من روحه و نفخه، کما خلق آدم بیده و نفخه. انی ادعوك الی الله وحده لا شریک له و الموالاه علی اطاعته و أن تتبعنی و تؤمن بالذی جاءنی فانی رسول الله. فانی ادعوك و جنودک الی الله، فقد بلغت و نصحت فاقبلوا نصحی و السلام علی من اتبع الهدی.

به نام خداوند بخشنده مهربان. از محمد فرستاده خداوند، به نجاشی اصحم، پادشاه حبشه؛ در آستی هستی، من همراه با تو، خداوندی را که معبود (راستینی) جز او نیست، خداوند فرمانروای پاک، بی عیب و نقص، ایمن دارنده [و] نگاهبان را می ستایم و گواهی می دهم که عیسی، فرزند مریم، روح خدا و کلمه اوست که خداوند آن را به سوی مریم عذرای پاک پاکدامن افکند، آن گاه او به عیسی بارور گشت و خداوند او را از روح و دمیدن خویش بیافرید، چنانکه آدم را با دست [قدرت] و دمیدن خویش، هستی بخشید. من تو را به خدای یگانه بی انبار و یاریگر بر فرمانبرداری از او و اینکه از من پیروی کنی و بدانچه که به سوی من آمده است، باورداری، فرا می خوانم؛ چرا که من فرستاده خدا هستم و تو و سپاهیان را به سوی خداوند فرا می خوانم. به راستی [دعوت الهی] را رساندم و پند دادم؛ پس اندرز مرا بپذیرید و درود بر کسی که پیرو هدایت گردد. (احمدی میانجی، ۱۴۱۹، ۴۳۰/۲)

۳. نتیجه‌گیری

با در نظر گرفتن اساس حاکمیت در اندیشه سیاسی اسلام، پیامبر ﷺ با تأسیس حکومت اسلامی علاوه بر تأمین اهداف مادی و معنوی حکومت از نظر سیاسی و روابط خارجی دارای دیپلماسی با استراتژی‌های مختلف و متفاوتی بوده که این مهم را می‌توان با توجه به مکاتیب و نامه‌های متفاوت و برجای مانده ایشان به سران حکومت‌ها و حکام وقت استخراج کرد.

براین اساس، بر مسلمانان و حاکمان کشورهای اسلامی واجب است تا با مطالعه و بررسی سیره سیاسی و حکومتی پیامبر اکرم ﷺ و در مجموع با تأسی از سیره نبوی در تمامی ابعاد در راستای تحقق بخشیدن و عملی کردن به اهداف و آرمان‌های عالی مورد نظر اسلام تلاش کنند.

فهرست منابع

* قرآن کریم

۱. ابن بابویه، محمد (بی تا). من لایحضره الفقیه. قم: جامعه مدرسین.
۲. ابن جوزی، ابوالفرج عبدالرحمن بن علی (۱۴۱۲ق). المنتظم فی تاریخ الملوک والامم. بیروت: دارالکتب العلمیه.
۳. ابن سعد، محمد (۱۴۱۸). طبقات الکبری. بیروت: دارالکتب العلمیه.
۴. ابن کثیر، اسماعیل بن عمر (۱۴۰۸ق). البدایه والنهایه. بیروت: داراحیاء التراث العربی.
۵. ابن هشام، عبدالملک (۱۳۵۵ق). سیره النبی ﷺ. چاپ حلبی.
۶. احمدی میانجی، علی (۱۴۱۹). مکاتیب الرسول ﷺ. قم: دارالحديث.
۷. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۳۸۹ش). مفردات فی غریب القرآن. مترجم: خداپرست، حسین. قم: دفتر نشر نوید اسلام.
۸. سجادی، سید عبدالقیوم (بی تا)، اصول سیاست خارجی در قرآن. مجله علوم سیاسی، ش ۱۵.
۹. سجادی، سید عبدالقیوم (۱۳۷۹ش). سیاست خارجی دولت اسلامی از دیدگاه امام علی علیه السلام. فصلنامه علوم سیاسی، ش ۱۱.
۱۰. صالحی شامی، محمد بن یوسف (۱۴۱۴ق). سبل الهدی والرشاد. بیروت: دارالکتب العلمیه.
۱۱. موسوی، سید عباس (۱۳۷۶). شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید. بیروت: دارالرسول الاکرم ﷺ.